

Petro-Yuan and the Future of Currency Relations in the Global Oil Market: Implications for the Islamic Republic of Iran

Davood Karimipour¹

Received: 03-12-2023

Accepted: 12-03-2024

Abstract

The rapid and accelerating growth of China's economic power in the global economic system has increasingly paved the way for its national currency to become one of the world's recognized currencies. Among the most significant platforms for the yuan's rise as an official international currency is the global oil and gas market. This study, using a descriptive-analytical method, seeks to analyze the opportunities and challenges surrounding the petro-yuan and its potential actors. In recent years, China has become the world's largest oil importer, with major oil producers such as Iran and Saudi Arabia being among its primary suppliers. Meanwhile, the intensifying economic rivalry between China and the United States in recent years has further motivated China to take more determined steps toward establishing the yuan as an official global currency. The findings indicate that China faces numerous challenges and difficulties in globalizing its currency. The country's instability and security vulnerabilities create a situation where its economic growth prospects are constantly at risk. Additionally, competition among political elites and territorial disputes with regional governments add to the obstacles China faces. Considering that the Islamic Republic of Iran has suffered significant harm from the United States' hostile actions and misuse of the dollar, the petro-yuan presents a valuable opportunity for Tehran to safeguard its economy.

Keywords: Oil, Currency, Iran, China, Yuan, Future.

1. Assistant Professor in International Relations Department, National Security Research Institute, Supreme National Defense University, Tehran, Iran
davood.k99@gmail.com

پترو- یوآن و آینده مناسبات ارزی در بازار جهانی نفت؛ پیامدها برای جمهوری اسلامی ایران

داود کریمی‌پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

چکیده

رشد روزافزون و شتابان قدرت اقتصادی چین در نظام اقتصادی جهان سبب شده تا زمینه‌های تبدیل پول ملی این کشور به‌عنوان یکی از ارزهای معتبر جهانی بیش‌ازپیش فراهم شود. از جمله مهم‌ترین بسترهای خیزش یوآن به‌عنوان یک ارز رسمی بین‌المللی، بازار جهانی نفت و گاز است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، در تلاش است تا فرصت‌ها و چالش‌های پیرامون پترو- یوآن و کنشگران احتمالی آن را مورد تحلیل قرار دهد. این در حالی است که چین در چند سال اخیر به بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان تبدیل شده و عمده تولیدکنندگان بزرگ نفت جهان مانند ایران و عربستان سعودی از جمله صادرکنندگان اصلی نفت به این کشور به‌شمار می‌آیند. در عین حال تشدید رقابت اقتصادی چین با ایالات متحده در سال‌های اخیر، عامل مهم دیگری است که سبب شده تا چین با عزم راسخ‌تر در مسیر تبدیل یوآن به یک ارز رسمی در جهان گام بردارد. یافته‌ها نشان می‌دهند چین با چالش‌ها و دشواری‌های پرشماری برای جهانی‌سازی ارز خود روبه‌رو است. بسترهای داغ بی‌ثباتی و ناامنی در این کشور وضعیتی را ایجاد کرده که هر آن می‌تواند دورنمای رشد اقتصادی چین را در معرض خطر قرار دهد. از سوی دیگر رقابت نخبگان سیاسی و اختلاف‌های سرزمینی با دولت‌های منطقه نیز به موانع پیش روی چین می‌افزاید. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران بیشترین آسیب‌ها را از اقدامات خصمانه و سوءاستفاده ایالات متحده از دلار دیده، پترو- یوآن می‌تواند فرصت مغتنمی برای تهران به‌منظور مصون‌سازی اقتصادی باشد.

کلیدواژه‌ها: نفت، ارز، ایران، چین، یوآن، آینده.

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل، پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مقدمه

در حال حاضر نقش انرژی در اقتصاد جهانی به گونه‌ای افزایش یافته است که رابطه‌ای مستقیم و هماهنگ با موضوعاتی همانند رشد اقتصادی، رکود و موازنه تجاری کشورها پیدا کرده است. با توجه به اهمیت و نقش حیاتی نفت در حیات و اقتصاد کشورها، این ماده در طول چند قرن اخیر در مناسبات و تحولات بین‌المللی تأثیرگذار بوده است و گاهی موجب تحولات عظیم در صحنه بین‌المللی شده است (حلیم زمهریر و میرزایی فر، ۱۳۸۹، ص. ۵۹۶). در واقع نفت از زمانی که کشف شد همواره یک کالای اقتصادی - سیاسی بسیار آسیب‌پذیر بوده است (بهجت، ۱۳۸۰، ص. ۱۷۰). در حوزه مباحث مرتبط با انرژی، علی‌رغم تنوع منابع انرژی، نفت خام و گاز طبیعی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند. امروزه زمانی که صحبت از انرژی به میان می‌آید، تمامی توجه‌ها در ابتدا معطوف به نفت خام و بعد متوجه گاز طبیعی می‌شود. بنابراین اغلب سیاست‌گذاری‌های انرژی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی براساس این دو هیدروکربور شکل می‌گیرند (مهدوی عادل، حسینی، ۱۳۸۹، ص. ۳). در واقع امروز اهمیت نفت تا جایی است که باید گفت روابط بین‌الملل و بازی آن را نیازهای نفتی مشخص می‌کند و سازو کار روابط بین‌الملل را نفت جهت می‌دهد (حلیم زمهریر، میرزایی فر، ۱۳۸۹، ص. ۵۹۶). علی‌رغم تلاش‌ها و پیشرفت‌های قابل‌توجه در راستای جایگزین کردن انرژی‌های نو حداقل در چند دهه اخیر، جایگزین کردن نفت، امکان‌پذیر نیست. اهمیت حیاتی نفت باعث شده تا ساماندهی آن به‌عنوان یکی از عناصر اصلی قدرت در عرصه جهانی مورد توجه دائمی قدرت‌های بزرگ قرار بگیرد. به‌نحوی که آنها کوشیده‌اند با ایجاد و ساماندنی نظام بین‌المللی نفت، منافع و امنیت انرژی خود را تأمین کنند (موسوی شفا، ۱۳۸۷، ص. ۳۱۴). یکی از زمینه‌های تنش و بی‌ثباتی در نظام بین‌المللی انرژی، خصومت و دشمنی میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت و گاز است. در این میان تقابل ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران و قدرت‌طلبی و هژمون‌گرایی ایالات متحده زمینه چنین تنش‌ها را فراهم نموده است. در واقع به‌دلیل باورهای هویتی و ایدئولوژیک، مؤلفه‌های ژئوپلیتیک، ساختار و توزیع قدرت در خاورمیانه و منازعات امنیتی، مسئله انرژی به عامل تنش در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است (ثانی جوشقانی، ۱۳۸۹، ص. ۹۹). براساس ایده برخورد تمدن‌ها، تمدن اسلامی حاضر که از انقلاب اسلامی ایران نشأت گرفته، اصلی‌ترین چالش و تهدید واقعی پیشاوری حاکمیت جهانی لیبرال دموکراسی به رهبری ایالات متحده آمریکا است (پوراحمدی، ۱۳۸۴، ص. ۳۰). با افزایش چشمگیر تقاضای انرژی از سوی مصرف‌کنندگان آسیایی جایگاه و اهمیت این قاره در نظام بین‌المللی انرژی افزایش خواهد یافت. چه اینکه ۷۵٪ از خالص افزایش تقاضای

جهانی نفت خام در دوره زمانی ۲۰۳۰-۲۰۰۹ به کشورهای در حال توسعه آسیایی تعلق دارد. در این مقاله با طرح مبحث نظری وابستگی متقابل، به ابعاد نوین نظام بین‌المللی انرژی پرداخته شده و سپس با بررسی جایگاه و نقش ایران و آمریکا در این نظام، رقابت و رویارویی آنها ترسیم می‌شود.

مبانی نظری

در نتیجه وابستگی متقابل روزافزون اقتصادی و گسترش حیرت‌انگیز اقتصاد بین‌الملل و تأثیری که به‌طور مستقیم بر زندگی ملت‌ها برجای می‌گذارد، روابط بین‌الملل میان دولت‌ها بیش‌ازپیش با امور مالی و پولی گره خورده است (Strange, 1971, p. 215). از منظر ژئوپلیتیک، ارز بین‌المللی ابزاری در اختیار یک دولت است که می‌تواند با کمک آن در معادلات جهانی با حاصل جمع صفر، قدرت ملی خود را اعمال کند. لذا کوهن معتقد است، قدرت ارزی که برخاسته از اقتدار ارزی است می‌تواند یک دولت را در برابر هزینه‌های انطباق با ارزهای بین‌المللی مصون کند (Cohen, 2006, p. 2).

یکی از مهم‌ترین اهرم‌های فروپاشی حکمرانی اقتصادی نئولیبرال معاصر، سیاست‌های پولی است. سلطه یک‌جانبه دلار بر بازارهای مالی جهان سبب شده تا سایر قدرت‌ها برای به‌چالش کشیدن قدرت ارزی آمریکا دست به‌کار شده و برای استقرار الگوی دموکراتیک‌تری از نظام پولی بین‌المللی تلاش کنند (Tooze, 2020, p. 6). به‌همین دلیل، مسأله ارز و سیاست‌های ارزی همواره یکی از مسائل ذهنی مهم پژوهشگران اقتصاد سیاسی بین‌الملل بوده است. با علم به این مهم، بین‌المللی‌سازی ارز، راهبردی است که قدرت‌های نوظهور جهانی به‌ویژه چین برای پیشبرد سیاست جهانی خود به‌طور جدی دنبال می‌کند. بسیاری معتقدند سیاست‌های ارزی، زمینه‌ساز قدرت سیاسی در سطح جهانی است. در واقع توسعه نفوذ ارزی در سطح جهانی زمینه کنترل اقتصاد جهانی را به‌همراه می‌آورد که در واقع پیام‌آور ارتقای سطح قدرت سیاسی یک کشور در نظام بین‌الملل است. با این حال باید دانست که استراتژی‌های ارزی کشورها در سطح جهانی تابع اصول و قواعدی است. به عبارت دیگر، اینکه چگونه یک ارز می‌تواند در سیاست جهانی معاصر به‌عنوان یک اهرم مورد بهره‌برداری قرار بگیرد، نیازمند ترتیبات مشخصی است.

حجم بازار داخلی: مهم‌ترین معیار و پیش‌شرط در استراتژی بین‌المللی‌سازی ارز، برخورداری از بازار داخلی بزرگ است.

کاربرد خارجی: اینکه سایر کشورها تا چه اندازه از یک ارز استفاده می‌کنند، بخش مهمی از توانایی یک کشور برای جهانی‌سازی ارز است.

بازارهای مالی: یکی دیگر از مهم‌ترین الزامات بین‌المللی‌سازی ارز، وجود بازارهای سرمایه عمیق و

توسعه یافته در داخل کشور است.

ثبات ارز: بین‌المللی سازی ارز، نیازمند ثبات است. ارزهایی که دچار نوسان گسترده‌ای هستند، از توانایی لازم برای توسعه نفوذ جهانی برخوردار نبوده و لذا ثبات و نرخ تورم پایین، از جمله الزامات و بایسته‌های تبدیل به ارز جهانی هستند (Frankel, 2012, p p. 333-335).

با این حال باید دقت داشت که در کنار عوامل اقتصادی، محققان تأثیر عوامل غیرسیاسی را نیز در این زمینه مؤثر ارزیابی می‌کنند. از این حیث هنگامی که یک ارز در عرصه بین‌المللی در حال صعود یا نزول است، عوامل سیاسی بیش از عوامل اقتصادی نقش آفرینی می‌کنند. در واقع باید میان عوامل اقتصادی و عوامل غیراقتصادی در گسترش و قدرت‌یابی جهانی یک ارز اختلاف قائل شد (Chey, 2012, p. 60). در این میان چارچوب مشخصی برای تحلیل اثرگذاری عوامل اقتصاد سیاسی بر خیزش ارزهای جهانی از سوی پژوهشگران این عرصه مطرح شده است. این عوامل به دو صورت وضعیت یک ارز را در سطح جهانی مشخص می‌کنند:

کانال غیرمستقیم: سیاست داخلی و ترتیبات نهادی به‌وسیله اثرگذاری بر میزان اعتماد به ارز می‌توانند بر روی کاربرد و میزان استفاده از یک ارز در عرصه خارجی اثر بگذارند. رهبری ارزی بین‌المللی نیازمند سیاست‌های پولی محافظه‌کارانه است. دولتی که تلاش می‌کند تا ارز خود را در سطح بین‌المللی گسترش دهد، باید بتواند سیاست‌های پولی خود را خارج از شعاع نهادهای سیاسی و اقتصادی داخلی پیش ببرد. به‌عنوان مثال کشورهایی که دارای دولت‌های محدود و یا چارچوب‌های قانونی محکم و معتبری هستند، از توانایی بیشتری برای پیشبرد بازارهای مالی برخوردارند (Helleiner, 2008, p p. 355-356).

کانال مستقیم: نقش دولت و عوامل سیاسی، معمولاً در ارزیابی که محل مذاکرات سیاسی هستند، بسیار پررنگ است. در واقع در این کانال، باید میان ارزهای برتر جهانی و ارزیابی که دولت‌های متبوع تلاش می‌کنند تا آن را در تعاملات خارجی خود با سایر کشورها مطرح کنند، تفاوت قائل شد. معمولاً در ارزهای برتر، جذابیت اقتصادی و در ارزهای محل مذاکره، عوامل سیاسی از اثرگذاری بیشتری برخوردار هستند. باید توجه داشت که در ارزهای محل مذاکره، علاوه بر دولت متبوع، نقش دولتهایی که از یک ارز در سطح بین‌المللی حمایت می‌کنند، نیز بسیار جدی خواهد بود (Helleiner, 2008, 355-356). با توجه به این مهم، اکنون به بررسی کنش بازیگران اصلی در راهبردهای شکست هژمونی دلار پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

این مقاله از حیث رویکرد روشی، تبیینی است. در واقع در این مقاله شناخت ماهیت سازوکارهای مالی در روابط قدرت بین‌المللی، با رویکرد تبیینی مورد توجه قرار گرفته است. از حیث ماهیت داده، کیفی بوده و از حیث تحلیل، مستند به روش تحلیل مطالعه موردی کیفی است. در روش مطالعه موردی، پژوهشگر نهایت تلاش خود را برای شناخت جامع و عمیق پدیده مورد مطالعه به کار می‌گیرد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

در این بخش به بررسی رفتار بازیگران اثرگذار در آینده مناسبات ارزی بازار نفت پرداخته می‌شود. این بازیگران هرکدام نسبت به شکل‌گیری پترو-یوآن دارای منافع و یا مضراتی هستند که می‌تواند تأثیر مستقیمی بر رشد یا نزول این ارز در بازار جهانی نفت بگذارد.

چین

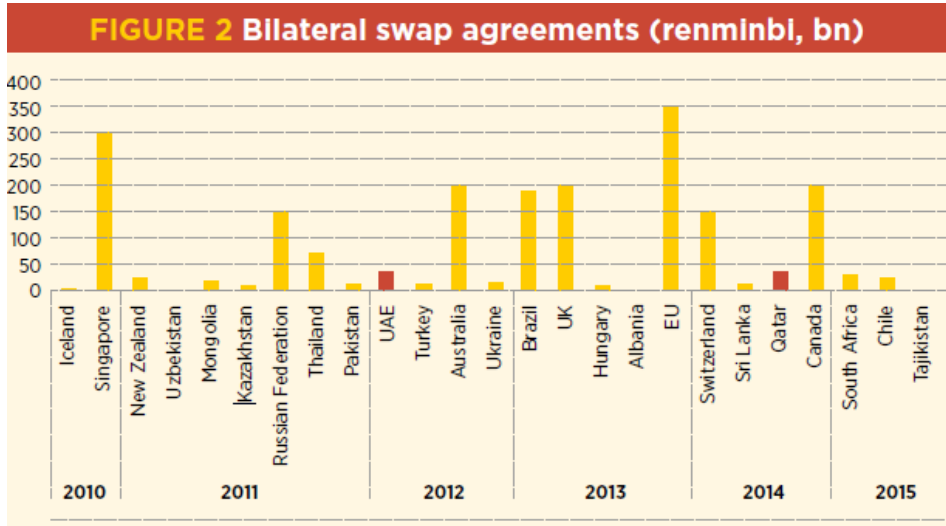
در حال حاضر دومین اقتصاد بزرگ جهان است که به‌نظر می‌رسد ظرف چند سال آینده، با پشت سر گذاشتن ایالات متحده، بزرگ‌ترین اقتصاد جهان خواهد شد. چین رتبه اول صادرات در جهان و بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام است. تجارت خارجی چین نزدیک به ۶۰ درصد از درآمد ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. در حال حاضر نزدیک به شش میلیون کارگر چینی در خارج از این کشور اشتغال دارند و سالیانه در حدود ۶۰ میلیون مسافر، این کشور را به مقاصد خارجی ترک می‌کنند. همه این متغیرها نشان می‌دهد که چین بیش‌ازپیش به نقش‌آفرینی در ثبات مالی و اقتصادی جهان فکر می‌کند.^۱

نقش روزافزون این کشور در مبادلات تجاری جهان، سبب شده تا پکن به‌دنبال تبدیل یوآن به بدیلی برای دلار در اقتصاد جهانی باشد. بالطبع، چین انگیزه‌های فراوانی از این رویکرد دارد. با وجود اینکه اقتصاد چین در سطح جهانی روند روبه‌رشدی را در پیش دارد، اما ارز ملی این کشور، نمی‌تواند قدرت اقتصادی این کشور را منعکس کند. چین در گام نخست باید قدرت ارزی و قدرت اقتصادی خود را هماهنگ سازد. با این اقدام، چین می‌تواند ضمن اینکه سیطره خود را بر اقتصاد جهانی بیش‌ازپیش بگستراند، در عرصه سیاست جهانی نیز، وزن خود را وزین‌تر از گذشته می‌کند. اولین گام عملی چین در این زمینه با تصویب یوآن به‌عنوان ارز بین‌المللی در صندوق ویژه برای وام در صندوق

1. Michael J. Mazarr, Timothy R. Heath, Astrid Stuth Cevallos (2018), China and the International Order, RAND Corporation

بین‌المللی پول محقق شد و به نظر می‌رسد با تکاپوی پکن، یوآن بتواند مسیر جهانی شدن خود را با شتاب بیشتری طی کند. همانطور که در شکل ذیل قابل مشاهده است، این روند به‌گونه‌ای در حال افزایش است که اکنون بیش از ۲۰ کشور سوآپ ارزی خود را با یوآن چین انجام می‌دهند^۱.

نمودار شماره ۱. موافقتنامه‌های دوجانبه سوآپ ارزی با یوآن (Financial sense)



پترو-یوآن، همان اندازه که می‌تواند به تضعیف جایگاه مالی آمریکا در اقتصاد جهانی منجر شود، می‌تواند قدرت اقتصادی چین را افزایش دهد. از این‌رو یکی از اهداف و انگیزه‌های مهم چین از طرح و ترویج پترو-یوآن به چالش کشیدن قدرت آمریکا در نظام بین‌الملل است.

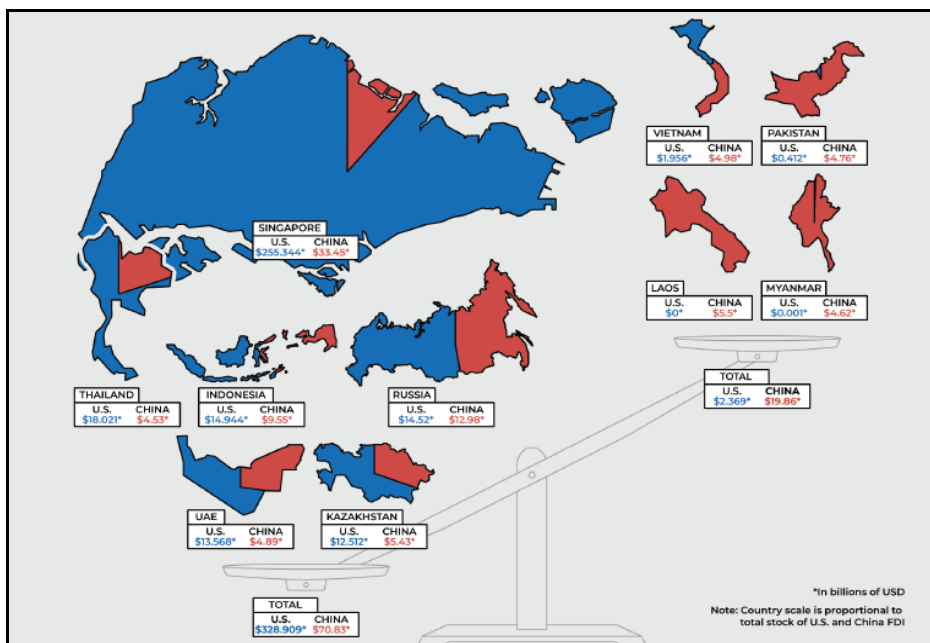
چین علاوه بر اینکه در عرصه مالی و پولی، تلاش‌های فراوانی برای تقویت یوآن انجام داده، در عرصه سیاسی و ژئوپلیتیکی نیز، با ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و همچنین پیشنهاد طرح‌های زیرساختی تلاش می‌کند تا بستری لازم برای گذار در قدرت جهانی را فراهم کند. به نظر می‌رسد هدف چین از ایجاد این اتحادیه‌های منطقه‌ای، تبدیل یوآن به‌عنوان ارز منطقه‌ای و سپس یک ارز جهانی است.

کارشناسان معتقدند، یکی از اهداف مهم چین از راهبرد یک کمربند یک جاده، بین‌المللی‌سازی یوآن است. ذیل این راهبرد، چین در کشورهای مختلف، سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام داده و با اعمال فشار، دولت‌های وام‌گیرنده را وادار می‌سازد که تراکنش‌های بین‌المللی خود را براساس یوآن انجام

1. Rise of the Petro-Yuan, How the Chinese currency is replacing the U.S. Dollar in global oil markets, <http://www.financialsense.com/print/contributors/dan-collins/rise-petro-yuan>.

دهند که البته با مقاومت بسیاری از کشورها روبه‌رو شده است.^۱ به‌عنوان نمونه، درحالی‌که شرکت هلدینگ بنادر خارجی چین نقش مرکزی را در توسعه منطقه آزاد گوادر پاکستان برعهده دارد، اما اسلام‌آباد با درخواست پکن برای استفاده از یوآن به‌عنوان ارز رسمی در این منطقه مخالفت کرده است.^۲

در حال حاضر روسیه و ایران جزء محدود کشورهایی هستند که از تلاش‌های چین در این زمینه حمایت کرده و آن را فرصتی برای کاهش فشارهای خارجی آمریکا می‌دانند. از این‌رو باید گفت، چین بیش از آنکه در مسیر جهانی‌سازی یوآن با چالش‌های ساختاری و اقتصادی روبه‌رو باشد، باید با چالش‌های سیاسی دست‌وپنجه نرم کند. بسیاری از کشورهای همجوار با چین، ذیل سیطره ایالات متحده بوده و به آسانی نیز حاضر به همکاری با چین نیستند. همانطور که تصویر ذیل نیز به خوبی نشان می‌دهد، حتی در میان کشورهای منطقه آسیا-پاسیفیک نیز همچنان برتری نسبی از آن دلار است. نقشه شماره ۲. موازنه ارزی میان دلار و یوآن در منطقه آسیا-پاسیفیک (Kliman, Daniel, Grace, Abigail 2018, p. 23)



1. Daniel Kliman and Abigail Grace(2018), Power Play; Addressing China's Belt and Road Strategy, the Center for a New American Security.

2. International Crisis Group (2018), China-Pakistan Economic Corridor: Opportunities and Risks, Asia Report N°297.

این تصویر بیانگر واقعیتی است که حتی کشورهای منطقه جنوب و جنوب شرق آسیا، هنوز یوان را به‌عنوان یک ارز قابل اطمینان نپذیرفته‌اند. این وضعیت در سایر مناطق حتی تشدید می‌شود. بالطبع اروپا و متحدان آمریکا که منافع خود را در ثبات ارزش دلار تعریف کرده‌اند نه تنها خود حاضر به استفاده از یوان به‌عنوان ارز در معاملات تجاری نیستند، بلکه از فراگیر شدن آن نیز جلوگیری می‌کنند. انگیزه‌های چین برای تبدیل یوان به یک ارز بین‌المللی در معاملات جهانی نفت و گاز، اگرچه با وابستگی این کشور به واردات نفت و همچنین رقابت جهانی با آمریکا قابل توجیه است، اما می‌تواند همچون یک عامل تسریع‌کننده برای توسعه سیاسی در این کشور باشد. شکاف میان توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی، از جمله چالش‌های جدی و پیچیده مقامات پکن برای تداوم قدرت‌نمایی در عرصه جهانی است. هرچه چرخ اقتصادی با شتاب بیشتری حرکت کند و چین بیش‌ازپیش در نظام اقتصاد جهانی ادغام شود، امواج بزرگ‌تری از مردم‌سالاری‌خواهی در این کشور به راه می‌افتد. از جمله اهدافی که آمریکا از تجارت با چین دنبال می‌کند، تقویت طبقه متوسط و درنهایت تلاش برای ایجاد انقلاب سیاسی در این کشور است.

ایالات متحده آمریکا

آمریکا رقیب اصلی چین در عرصه اقتصاد جهانی است که به‌نظر می‌رسد بیشترین تأثیر را از هرگونه دگرگونی در نظام مالی و پولی جهان بپذیرد. دلار آمریکا برای چندین دهه به‌عنوان ارز رایج بین‌المللی چه در بازار نفت و چه در دیگر دادوستدهای بین‌المللی، مرسوم بوده و این مهم سبب شده تا آمریکا، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کنشگر در نظام اقتصاد جهانی باشد. قدرت اقتصادی آمریکا سبب شده تا این کشور بتواند از دلار به‌عنوان یک اهرم سیاسی استفاده کند. نقش‌آفرینی دلار در معاملات نفتی جهان، تعیین‌کننده‌ترین عامل قدرت آن است. آمریکا با انعقاد پیمان با کشورهای بزرگ صادرکننده، از جمله عربستان سعودی از ورود دیگر ارزها به این عرصه جلوگیری به‌عمل می‌آورد. حفظ انحصار دلار در مبادلات تجاری و نفتی برای تداوم قدرت جهانی آمریکا، امری حیاتی به‌شمار می‌رود و از این حیث کاخ سفید، با استفاده از تمامی ابزارهای قدرت، تلاش می‌کند تا مانع از ورود ارزهای جایگزین به نظام مبادلات جهانی نفت شود.

در حال حاضر که چین به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت در جهان تبدیل شده و از سوی دیگر آمریکا نیز با تولید روزافزون نفت شیل، توانسته وابستگی خود را به واردات این ماده، کم کند، عرصه برای همکاری هرچه بیشتر کشورهای صادرکننده نفت و چین بیش‌ازپیش بیشتر شده است. این

همکاری‌ها می‌تواند در آینده به تزلزل ارزش و کاربرد دلار در اقتصاد جهانی منجر شود^۱. همانطور که، روندهای کنونی شکل گرفته در نظام اقتصاد جهانی نیز به گونه‌ای است که تمایل کشورها به متنوع‌سازی منابع انرژی را افزایش داده است. در حال حاضر نظام جهانی انرژی به سمت چندمرکزی شدن پیش می‌رود که این موضوع می‌تواند زمینه را برای افول قدرت پترو- دلار مهیا سازد.

در عین حال تأکید بیش از حد آمریکا بر قدرت دلار و تحریم بی‌درپی کشورها، بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت را به فکر جایگزین کردن دلار انداخته است. تأکید ترامپ برای گفتمان «نخست آمریکا» و مخالفت با قواعد حاکم بر نظام جهانی تجارت که در قالب جنگ‌های تجاری با اتحادیه اروپا و چین نمود یافته، می‌تواند یک عامل تسریع‌کننده تمایل کشورها به جایگزینی دلار با یوان باشد.

کشورهایی همانند ایران و روسیه که از جمله بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در جهان هستند، با جدیت به دنبال پایان دادن به سلطه دلار بر معاملات نفتی جهان هستند. از این رو آمریکا دو راه پیش روی خویش خواهد داشت؛ راه اول تأکید بر فشار اقتصادی و استفاده سیاسی از دلار به منظور تضعیف حداکثری دشمنان و راه دوم در پیش گرفتن سیاست مماشات و سازگاری با این کشورها است. در حالت دوم، آمریکا علی‌رغم اینکه می‌تواند به حفظ جایگاه دلار به عنوان ارز رسمی در بازار جهانی نفت امیدوار باشد، باید نقش و منافع کشورهایمانند ایران و روسیه را در محیط منطقه‌ای و جهانی به رسمیت بشناسد. حفظ ارزش و جایگاه دلار، ارتباط تنگاتنگی با رفتار سیاست خارجی آمریکا دارد. تداوم سیاست‌های تهاجمی و مداخله‌جویانه، می‌تواند موضع چین را در عرصه اقتصاد جهانی و در میان کشورهای عرضه‌کننده نفت تقویت کند. به طور کلی باید خاطرنشان ساخت که دو عامل رفتار سیاست خارجی و وابستگی به بازار نفت، می‌تواند توان و نقش آمریکا در برابر یوان چین را تعیین کند.

فدراسیون روسیه

روسیه از جمله کشورهایی است که تداوم سلطه آمریکا بر اقتصاد جهان را بر نمی‌تابد. در حالی که آمریکا با اتخاذ سیاست‌های تنبیهی، می‌کوشد تا مانع از گسترش دسترسی‌های ژئوپلیتیکی روسیه شود، مسکو نیز با تمامی توان، در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه مالی، کمر همت بر پایان دادن به سلطه دلار بسته است. روسیه از جمله بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز در جهان است و توانمندی‌های بالایی

1. Rise of the Petro-Yuan, How the Chinese currency is replacing the U.S. Dollar in global oil markets, <http://www.financialsense.com/print/contributors/dan-collins/rise-petro-yuan>.

برای تأثیرگذاری بر جریان دادوستد و قیمت جهانی نفت دارد. انگیزه‌های مسکو برای بدیل‌یابی دلار زمانی تشدید شد که پس از تصرف کریمه، مورد تحریم‌های اقتصادی آمریکا قرار گرفت و آسیب‌های اقتصادی فراوانی متحمل شد. در همین سال، شرکت گازپروم نفت روسیه اولین فروش نفت خود بر اساس یوآن را آغاز کرد تا بدین ترتیب، بارقه جایگزینی دلار با یوآن روشن شود.

نقش روسیه در آینده پترو- یوآن به چند متغیر جدی بستگی دارد. به‌نظر می‌رسد اولین عامل تأثیرگذار را باید سمت‌وسوی روابط روسیه با ایالات متحده آمریکا دانست. چنانچه دو کشور بتوانند به سمت عادی‌سازی روابط حرکت کرده و همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود را تقویت کنند، می‌توان انتظار داشت که مسکو در تلاش خود برای جایگزینی دلار با یوآن، تعدیل ایجاد کند.

تداوم گفت‌وگو پوتین‌سیم در روسیه از جمله متغیرهای کلیدی در این زمینه است. پوتین حتی در صورت بهبود روابط با آمریکا، تمایلی به تداوم سلطه دلار بر اقتصاد جهانی ندارد. در عین حال که روسیه به حمایت‌های چین در برابر آمریکا احتیاج دارد، تلاش می‌کند تا با همراهی و تسهیل جایگزینی پترو- یوآن، به‌نوعی چین را در پیشبرد راهبرد توسعه اقتصادی چین به‌خود وابسته سازد. به‌نظر می‌رسد روسیه یکی از کنشگران ثابت در آینده پترو- یوآن خواهد بود. در واقع مؤلفه‌های کنونی اگرچه می‌تواند شدت و شتاب اقدام روسیه برای جایگزینی دلار را تعدیل کند، اما هرگز نمی‌تواند آن را متوقف یا معکوس سازند.

جمهوری اسلامی ایران

کنشگری ایران در آینده پترو- یوآن از ابعاد گوناگون دارای اهمیت ویژه ای است. جمهوری اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت خام در جهان، از اعضای تأثیرگذار و کلیدی سازمان اوپک است که در عین حال، دشمنی دیرینه و عمیقی با ایالات متحده آمریکا دارد. به‌همین دلیل، ایران از جمله اولین کشورهایی بود که از رواج یوآن به‌عنوان یک ارز رسمی در مبادلات نفت حمایت کرد. تهران سال‌هاست که تلاش می‌کند تا نگاه به شرق را به‌عنوان یک بدیل کارآمد، جایگزین غرب‌گرایی در سیاست خارجی خویش کند و به‌نظر می‌رسد رواج ارزهای شرقی در مبادلات نفت، گام بزرگی در این زمینه خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران منافع متنوعی در آینده پترو- یوآن خواهد داشت.

انگیزه اصلی ایران در حمایت از پترو- یوآن، خشی‌سازی یا کاهش کارآمدی تحریم‌های اقتصادی غرب است. از آنجاکه اقتصاد ایران همانند روسیه، تک‌محصولی است و بخش قابل توجهی از درآمدها و سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور برپایه صنعت نفت‌وگاز شکل می‌گیرد، اما وابستگی ایران به دلار

همواره این نقطه قوت را به یک نقطه ضعف جدی تبدیل کرده است. از این رو باید خاطر نشان ساخت که مسأله پترو- یوآن برای جمهوری اسلامی ایران، فراتر از یک موضوع اقتصادی است. چنانچه ایران بتواند در مبادلات تجاری خویش، یوآن را جایگزین دلار کند، به میزان بالایی می تواند در مورد بسیاری از نگرانی های ناشی از تحریم، آسودگی خاطر بیابد.

چین بزرگترین شریک تجاری ایران است و به نظر می رسد در صورت شروع تحریم های اقتصادی غرب، حجم واردات ایران از این کشور افزایش یابد. جدای از اینکه چین از خریداران اصلی نفت ایران است، چشم بادامی ها نقش مهمی در بسیاری از صنایع داخلی کشور از جمله صنعت خودرو، لوازم الکتریکی، پوشاک، زیرساخت و... دارند. به نظر می رسد در صورتی که یوآن به عنوان ارز رسمی در معامله نفتی ایران با چین تعیین شود، مسیر همکاری های هرچه بیشتر در عرصه های اقتصادی میان آنها بیش از پیش تقویت خواهد شد.

در کنار انگیزه و فرصت های اقتصادی، به نظر می رسد پترو- یوآن می تواند برای جمهوری اسلامی ایران، دستاوردهای منطقه ای پرشماری به همراه داشته باشد. در حالی که چین تلاش می کند تا حضور آمریکا در مناطق پیرامونی خویش را به حداقل برساند و از سوی دیگر با مقاومت و مخالفت کشورهای منطقه شرق و جنوب شرق آسیا روبه رو است، ایران می تواند به عنوان یک همکار منطقه ای، راهبرد مهار آمریکا در این منطقه را با چین به اجرا بگذارد. دسترسی و نفوذ قابل توجه ایران در آب های خلیج فارس و تنگه هرمز و نقش آفرینی ژئوپلیتیکی ایران در جنوب و مرکز آسیا از دیگر مؤلفه هایی است که می تواند ایران را به یک همکار مؤثر منطقه ای برای پکن تبدیل کند. ایران همانطور که می تواند مبادلات تجاری خود با چین را براساس یوآن انجام دهد، در ازای فرصت های فراهم شده از طرف چین، می تواند یوآن را به عنوان ارز پایه در دادوستدهای نفتی با طرف های ثالث قرار دهد.

در عین حال، برخی از کارشناسان معتقدند، پترو- یوآن در حالی که می تواند فرصت های قابل توجهی برای ایران به ارمغان بیاورد، می تواند حامل تهدیدهای پرشماری نیز باشد. از جمله مهم ترین این تهدیدها می توان به استفاده سیاسی چین از پترو- یوآن اشاره کرد. نمی توان دور از انتظار دانست که چین در نهایت همان مسیری را طی کند که امروز ایالات متحده در انتهای آن قرار دارد. از این رو با فراگیر شدن نقش چین در بسیاری از صنایع و بخش های اقتصادی کشور و همچنین جایگزین شدن یوآن به جای دلار، این احتمال وجود دارد که چین نیز همانند آمریکا، به دنبال تأثیرگذاری بر آینده سیاسی و امنیتی کشور باشد. هم اکنون چین، پروژه تحریم اقتصادی را در مورد کشورهای ضعیف آفریقایی به اجرا

گذاشته و هیچ بعید نیست که در صورت سیطره یوان بر اقتصاد جهان، دیگر کشورها از جمله ایران را نیز تحت تحریم قرار دهد. این مسأله باید یک ملاحظه جدی در هرگونه گسترش همکاری با چین در زمینه پولی و مالی باشد.

عربستان سعودی

کنشگر دیگری که می‌تواند در آینده پترو-یوان به‌طور جدی نقش‌آفرینی کند، عربستان سعودی است. قدرت نفتی سعودی و روابط تنگاتنگ و راهبردی این کشور با ایالات متحده آمریکا جای تردید باقی نمی‌گذارد که ریاض در آینده پترو-یوان، کنشگری تأثیرگذار و مهم است. عربستان سعودی پس از ونزوئلا، دارای بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان است. این کشور را می‌توان تأثیرگذارترین کنشگر در نظام قیمت‌گذاری نفت برشمرد. سعودی‌ها طی سال‌های گذشته با نفوذ در اوپک، توانسته‌اند قیمت نفت را براساس منافع و اهداف سیاست خارجی خویش تنظیم کنند. عربستان پایه‌گذار اصلی پترو-دلار است. به‌عبارت دیگر باید گفت، گسترش نقش و قدرت دلار در بازار جهانی نفت مرهون تلاش‌های سعودی‌ها است.

عربستان سعودی اگرچه رهیافت دنباله‌روی را در سیاست خارجی خود دنبال می‌کند و در بسیاری از موارد، کنش سیاست خارجی خویش را براساس منویات و دیدگاه‌های واشنگتن تنظیم می‌کند، اما نشان‌دهنده در این زمینه دارای یک آستانه فشار است. الگوی روابط ریاض-واشنگتن در دوره اواما نشان می‌دهد که عربستان سعودی با وجود تمامی وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی به ایالات متحده آمریکا، نسبت به تأمین منافع خویش از سوی آمریکا نیز حساسیت دارد. سعودی‌ها، سپرده‌های کلانی در بانک‌های آمریکایی داشته و می‌توانند با خروج سرمایه‌های مالی خود، اقتصاد آمریکا را دچار رکود کنند. اگرچه کنش و رهیافت اصلی عربستان سعودی همچنان بر حفظ پترو-دلار استوار است، اما این وضعیت تابعی از سمت‌وسوی مناسبات واشنگتن-ریاض است.

ریاض می‌تواند برای جلب توجه و همچنین همکاری آمریکا، توسعه روابط مالی و پولی با چین را در دستورکار قرار دهد. نقش پررنگ عربستان در بازار جهانی نفت، بسیار برای چینی‌ها حائز اهمیت است. لذا یکن درنهایت به همکاری عربستان برای رواج یوان به‌عنوان یک ارز در نظام مالی و پولی جهان احتیاج دارد. ازجمله اهداف مهم چین در مذاکرات دیپلماتیک با مقامات سعودی، متقاعدسازی آنها برای انجام مبادله براساس یوان است. با وجود تمامی تلاش‌های چین در این رابطه، هنوز شرکت نفت آرامکو، حاضر به همراهی با چینی‌ها نشده است. با توجه به نقشی که عربستان سعودی در منطقه و در میان برخی از کشورهای عربی دارد، می‌توان انتظار داشت که کشورهای همچون امارات یا بحرین

نیز، هرگونه معامله با یوان را مشروط با اقدام عربستان کند (Curran, Ansty, 2017). لذا نقش عربستان فراتر از یک کشور است و می‌تواند دامنه منطقه‌ای داشته باشد.

اتحادیه اروپایی

اتحادیه اروپایی را باید به‌عنوان یک کنشگر ویژه در آینده پترو- یوان قلمداد کرد. در کنار یوان، یورو می‌تواند یکی از بهترین جایگزین‌ها برای دلار در آینده باشد و از این‌رو، اتحادیه را باید تنها کنشگر رقیب چین در آینده قلمداد کرد. اروپایی‌ها برای تبدیل کردن یورو به‌عنوان ارز جایگزین دلار، مسیر کم‌فرازونشیب‌تری را در مقایسه با چین خواهند داشت. در گام نخست به‌نظر می‌رسد پذیرش یورو به‌عنوان جایگزین دلار، برای ایالات متحده آسان‌تر است و لذا با مقاومت کمتری از سوی واشنگتن روبه‌رو خواهد بود. از سوی دیگر، اروپایی‌ها در مقایسه با چین، روابط دیپلماتیک گسترده‌تری را با دیگر کشورها دارند که این امر می‌تواند مبادلات اقتصادی بروکسل با دیگر دولت‌ها را تسهیل کند. نمی‌توان نفوذ و قدرت سیاسی کشورهای هم‌چون آلمان، فرانسه، انگلیس را در آینده پترو- یوان نادیده گرفت. بنابراین باید گفت، چین علاوه‌بر اینکه باید خود را برای یک رقابت نفس‌گیر با آمریکا آماده کند، باید در برابر قدرت یورو نیز حرف‌های بسیاری برای گفتن داشته باشد.

آنچه می‌تواند در آینده نقش‌آفرینی اتحادیه اروپایی را دستخوش دگرگونی کند، آینده انسجام و همگرایی در این اتحادیه است. عدم توازن توسعه اقتصادی در میان اعضا، ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت و در پاره‌ای از موارد منافع و اهداف متضاد سبب شده تا پدیده‌های همچون برگزیت آینده این اتحادیه را تهدید کند. ضعف ساختاری به‌طور حتم، مواضع و جایگاه اقتصادی و سیاسی این اتحادیه را نیز به قهقرا خواهد برد. یک اتحادیه اروپایی ضعیف نمی‌تواند با قدرت روبه‌رشد و فزاینده اقتصادی چین هم‌اوردی کند.

علاوه‌بر این، وابستگی اروپا به روسیه در تأمین انرژی، می‌تواند به تضعیف کنش اروپا در برابر پترو- یوان بیانجامد. روسیه که از جمله اولین حمایت‌کنندگان از پترو- یوان است، در صورت لزوم دولت‌های اروپایی را وادار می‌کند که یوان را جایگزین سایر ارزها در پرداخت کنند. این مهم می‌تواند دو پیامد جدی به‌همراه داشته باشد. در گام نخست کشورهای اروپایی را به سمت متنوع‌سازی هرچه سریع‌تر منابع انرژی پیش خواهد برد. اما در صورتی که بروکسل نتواند سیاست متنوع‌سازی منابع انرژی

را محقق کند، کمک شایانی به گسترش و بین‌المللی شدن پترو-یوآن خواهد کرد. این امر سبب می‌شود شراکت تجاری و سیاسی بروکسل-واشنگتن بیش‌ازپیش ناکارآمد شود.

هند

قدرت نوظهور و بالنده آسیای جنوبی (هند) نیز سهم قابل توجهی در آینده پترو-یوآن خواهد داشت. هند سال‌هاست که با رشد سریع اقتصادی خود را به‌عنوان یکی از اقتصادهای برتر جهان در سال‌های آتی معرفی کرده است. دهلی‌نو برخلاف چین که گفتمان آمریکایی نظام بین‌المللی را نمی‌پسندد، رویکرد متعادل‌تری نسبت به آمریکا در عرصه سیاست خارجی دارد. اگرچه گفتمان سیاست خارجی هند نیز چندجانبه‌گرایی را به یک‌جانبه‌گرایی مدنظر آمریکا ترجیح می‌دهد، با این حال، هندی‌ها روابط نسبتاً خوبی با ایالات متحده آمریکا در این منطقه دارند.

تقارن دیدگاه‌ها و منافع میان هند و ایالات متحده آمریکا سبب شده تا واشنگتن، از هند در برابر چین حمایت کند. آمریکا تلاش می‌کند تا با همکاری با دهلی‌نو، قدرت روبه‌رشد چین را متوازن سازد. هند علی‌القاعده، پترو-دلار را به پترو-یوآن ترجیح می‌دهد. در غیر این صورت، هند باید هژمونی چین در آسیا را پذیرفته و بر همکاری‌های راهبردی خویش با آمریکا پشت پا بزند. این در حالی است که هند به‌لحاظ امنیتی، نیازمند حمایت‌های آمریکا است. درحالی‌که پاکستان بیش از گذشته به‌سمت چین سوق یافته و توانمندی‌های نظامی و دفاعی خود را در برابر هند، تقویت می‌کند، دهلی‌نو باید از حمایت‌های نظامی و دفاعی آمریکا برخوردار باشد. هند تنها زمانی از حمایت‌های آمریکا بی‌نیاز خواهد شد که نگرانی‌های امنیتی و دفاعی خود را پشت سر بگذارد. سپس در چنین فضایی می‌توان انتظار داشت که دهلی‌نو نیز به جمع حمایت‌کنندگان از پترو-یوآن بپیوندد.

بانک جهانی

بانک جهانی، نقش مهمی در سمت‌وسوی جریان ارزی جهان دارد. این نهاد پولی، نقش مستقیمی در قدرت یا ضعف ارزهای بین‌المللی دارد. بانک جهانی وظیفه بهبود شرایط اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در حال توسعه را دارد که با اعطای وام در این زمینه، فعالیت می‌کند. لذا این نهاد برخاسته از نظام «برتن وودز» که اساساً با هدف تحکیم و توسعه اقتصاد نئولیبرال ایجاد شده، در حال حاضر یکی از پایه‌های مهم گسترش و تقویت دلار در مبادلات جهانی است. بانک جهانی با ارائه کمک‌های اقتصادی در قالب وام به کشورهای در حال توسعه، در واقع به تداوم قدرت دلار دامن می‌زند. با توجه به نفوذ و قدرتی که ایالات متحده در این سازمان داشته و می‌تواند بر سیاست‌های کلان آن تأثیر بگذارد، به‌نظر می‌رسد این نهاد، مانعی در راستای گسترش پترو-یوآن به‌شمار می‌رود.

یافته‌های تحقیق

کنشگری ایران در آینده پترو- یوآن از ابعاد گوناگون دارای اهمیت ویژه‌ای است. جمهوری اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت خام در جهان، از اعضای تأثیرگذار و کلیدی سازمان اوپک است که در عین حال، دشمنی دیرینه و عمیقی با ایالات متحده آمریکا دارد. به همین دلیل، ایران از جمله اولین کشورهایی بود که از رواج یوآن به‌عنوان یک ارز رسمی در مبادلات نفت حمایت کرد. تهران سال‌هاست که تلاش می‌کند تا نگاه به شرق را به‌عنوان یک بدیل کارآمد جایگزین غرب‌گرایی در سیاست خارجی خویش کند و به‌نظر می‌رسد رواج ارزهای شرقی در مبادلات نفت، گام بزرگی در این زمینه خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران منافع متنوعی در آینده پترو یوآن خواهد داشت.

انگیزه اصلی ایران در حمایت از پترو- یوآن خنثی‌سازی یا کاهش کارآمدی تحریم‌های اقتصادی غرب است. از آنجا که اقتصاد ایران همانند روسیه، تک‌محصولی است و بخش قابل‌توجهی از درآمدها و سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور برپایه صنعت نفت و گاز شکل می‌گیرد، اما وابستگی ایران به دلار همواره این نقطه قوت را به یک نقطه ضعف جدی تبدیل کرده است. از این رو باید خاطر نشان ساخت که مسأله پترو- یوآن برای جمهوری اسلامی ایران، فراتر از یک موضوع اقتصادی است. چنانچه ایران بتواند در مبادلات تجاری خویش، یوآن را جایگزین دلار کند، به‌میزان بالایی می‌تواند در مورد بسیاری از نگرانی‌های ناشی از تحریم، آسودگی خاطر بیابد.

چین بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران است و به‌نظر می‌رسد در صورت شروع تحریم‌های اقتصادی غرب، حجم واردات ایران از این کشور افزایش یابد. جدای از اینکه چین از خریداران اصلی نفت ایران است، چشم‌بادامی‌ها نقش مهمی در بسیاری از صنایع داخلی کشور از جمله صنعت خودرو، لوازم الکتریکی، پوشاک، زیرساخت و... دارند. به‌نظر می‌رسد در صورتی که یوآن به‌عنوان ارز رسمی در معامله نفتی ایران با چین تعیین شود، مسیر همکاری‌های هرچه‌بیشتر در عرصه‌های اقتصادی میان کشور بیش‌ازپیش تقویت خواهد شد.

درکنار انگیزه و فرصت‌های اقتصادی، به‌نظر می‌رسد پترو- یوآن می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران، دستاوردهای منطقه‌ای پرشماری به‌همراه داشته باشد. درحالی که چین تلاش می‌کند تا حضور آمریکا در مناطق پیرامونی خویش را به‌حداقل برساند، از سوی دیگر با مقاومت و مخالفت کشورهای منطقه شرق و جنوب شرق آسیا روبه‌رو است، ایران می‌تواند به‌عنوان یک همکار منطقه‌ای، راهبرد مهار آمریکا در این منطقه را با چین به‌اجرا بگذارد.

دسترسی و نفوذ قابل توجه ایران در آب‌های خلیج فارس و تنگه هرمز، نقش آفرینی ژئوپلیتیکی ایران در جنوب و مرکز آسیا از دیگر مؤلفه‌هایی است که می‌تواند ایران را به یک همکار مؤثر منطقه‌ای برای پکن تبدیل کند. چین علاقه وافری به توسعه حضور در خلیج فارس و آب‌های ساحلی دارد و این مهم می‌تواند به مزیتی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود. در حال حاضر که ایران می‌تواند مبادلات تجاری خود با چین را براساس یوآن انجام دهد، در ازای فرصت‌های فراهم‌شده از طرف چین، می‌تواند یوآن را به‌عنوان ارز پایه در دادوستدهای نفتی با طرف‌های ثالث قرار دهد.

در عین حال، برخی از کارشناسان معتقدند، پترو-یوآن در عین اینکه می‌تواند فرصت‌های قابل توجهی برای ایران به ارمغان بیاورد می‌تواند حامل تهدیدهای پرشماری نیز باشد. از جمله مهم‌ترین این تهدیدها می‌توان به استفاده سیاسی چین از پترو-یوآن اشاره کرد. نمی‌توان دور از انتظار دانست که چین در نهایت همان مسیری را طی کند که امروز ایالات متحده در انتهای آن قرار دارد. از این‌رو با فراگیر شدن نقش چین در بسیاری از صنایع و بخش‌های اقتصادی کشور و همچنین جایگزین شدن یوآن به‌جای دلار، این احتمال وجود دارد که چین نیز همانند آمریکا، به‌دنبال تأثیرگذاری بر آینده سیاسی و امنیتی کشور باشد. هم‌اکنون چین، پروژه تحریم اقتصادی را در مورد کشورهای ضعیف آفریقایی به‌اجرا گذاشته و هیچ بعید نیست که در صورت سیطره یوآن بر اقتصاد جهان، دیگر کشورها از جمله ایران را نیز تحت تحریم قرار دهد. این مسأله باید یک ملاحظه جدی در هرگونه گسترش همکاری با چین در زمینه پولی و مالی باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

باید خاطر نشان ساخت که پترو-یوآن راه همواری برای تبدیل شدن به ارز غالب در بازار نفت ندارد. متغیرهای پرشماری بر آینده پترو-یوآن تأثیر می‌گذارند. در حال حاضر عربستان سعودی (بزرگ‌ترین صادرکننده نفت جهان) به‌دلیل روابط ویژه با آمریکا در برابر پترو-یوآن مقاومت می‌کند. به‌علاوه، دیگر واردکنندگان بزرگ نفت مانند هند، اتحادیه اروپا، کره جنوبی و ژاپن نیز که نگران رشد روزافزون قدرت چین هستند، پترو-یوآن را در راستای تکوین هژمونی چین می‌دانند و لذا همچنان پترو-دلار را به یوآن ترجیح می‌دهند.

سمت‌وسوی روابط قدرت‌های بزرگ اقتصادی به‌ویژه چین و ایالات متحده از جمله دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر آینده پترو-یوآن است. به‌نظر می‌رسد در چنین شرایطی، کشورهایی که مخالف سلطه آمریکا بوده و در پی به‌چالش کشیدن قدرت آمریکا هستند، به تدوین سازوکارهای اساسی برای جابه‌جایی پترو-یوآن و پترو-دلار خواهند بود. همچنان که یک رابطه مسالمت‌آمیز و به‌دور از تنش و

درگیری اقتصادی که منافع اقتصادی چین و دیگر شرکای این کشور را تأمین می‌کند، به کند شدن روند استفاده از پترو- یوآن می‌انجامد.

در عین حال ممکن است ایالات متحده و شرکای تجاری این کشور مانند اتحادیه اروپا، ژاپن، استرالیا و هند، با هدف سرکوب پترو- یوآن، ارزهایی دیگری را در کنار دلار وارد بازار جهانی نفت کنند که ضمن حفظ جایگاه دلار، راه نفوذ یوآن به بازارهای جهانی نفت را مسدود کند. به‌عنوان نمونه، ایده‌هایی همچون پترو- یورو و یا حد تعریف یک واحد پول مشترک برای معاملات نفتی در میان این کشورها را می‌توان از جمله دیگر تهدیدهای پیش روی پترو- یوآن در نظر گرفت.

رشد پترو- یوآن در مناسبات ارزی بازار جهانی نفت، فرصت مغتنمی برای جمهوری اسلامی ایران است. چین که در راهبرد تجارت نفتی خود تأکید ویژه‌ای بر استفاده از ظرفیت‌های دریایی دارد، می‌تواند با کمک ایران به توسعه قدرت پترو- یوآن بیاندیشد. جمهوری اسلامی ایران که در نتیجه تحریم‌های اقتصادی آمریکا، متحمل فشارهای اقتصادی شده، می‌تواند به‌طور حداکثری و با توسعه زیرساخت‌های تجارت دریایی خویش، نقش مهمی در نظم چین محور جهان آینده داشته باشد. ایران تنها کشور در منطقه خلیج فارس است که به‌طور رسمی با سلطه دلار مخالف بوده و لذا در میان کشورهای این منطقه، بهترین گزینه برای توسعه تجارت دریایی چین خواهد بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- باقری، علی (۱۳۹۰). بررسی رفتار اقتصادی اوپک با توجه به عملکرد پانجاه‌ساله و تحولات آتی این سازمان در چارچوب افق تغییرات بازرجهانی انرژی. رساله دکتری علوم اقتصادی: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- بهجت، جودت (۱۳۸۰). امنیت نفت در هزاره جدید، ژئواکونومی در برابر ژئواستراتژی. ترجمه قدیر نصری مشکینی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۶۶-۱۶۵.
- بهشتی دهکردی، علی (۱۳۸۵). چشم‌انداز جهانی انرژی. تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۴). اقتصاد سیاسی و منافع نوین استراتژیک آمریکا در خاورمیانه. فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، اسرائیل‌شناسی - آمریکا‌شناسی، سال ششم، شماره ۳ و ۴.
- ثانی جوشقانی، معصومه (۱۳۸۹). رهیافت اقتصاد سیاسی بین‌الملل و جایگاه انرژی در مناسبات ایران و آمریکا. فصلنامه خاورمیانه، شماره ۶۱.
- حلیم زمهریر، ابوالفضل و میرزایی فرد، سعید (۱۳۸۹). اهمیت ژئواکونومیک ایران برای اتحادیه اروپا و مسئله تحریم‌ها، در نفت و سیاست خارجی. پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- غنیمی فرد، حجت‌الله (۱۳۷۷). جغرافیایی سیاسی نفت و گاز. مجله سیاست خارجی، ۱۲ (۳).
- موسوی‌شفائی، سید مسعود (۱۳۸۵). جایگاه نفت خلیج فارس در سیاست انرژی و استراتژی امنیت ملی آمریکا. راهبرد، شماره ۳۹.
- مهدوی عادل، محمد حسین و حسینی، سید جعفر (۱۳۸۹). نگاهی به شکل‌گیری اقتصاد سیاسی نفت و گاز در خلیج فارس و استراتژی کشورهای صنعتی در قبال آن. مجله دانش و توسعه، شماره ۳۳.

ب) منابع انگلیسی

- Curran, Enda, Anstey, Chris (2017), China's Push to Trade Oil in Yuan Faces a Key Hurdle, <https://www.bloomberg.com/news/articles/2017-12-06/petro-yuan-delays-show-hurdles-confronting-china-s-currency-push>
- International Crisis Group (2018), China-Pakistan Economic Corridor: Opportunities and Risks, Asia Report N°297
- Kliman, Daniel, Grace, Abigail (2018), Power Play; Addressing China's Belt and Road Strategy, the Center for a New American Security
- Lai, David, John F. Troxell, Frederick J. Gellert (2018), Avoiding the Trap: U.S. Strategy and Policy for Competing in the Asia-Pacific Beyond the Rebalance, Strategic Studies Institute and U.S. Army War College Press
- Mazarr, Michael J., Timothy R. Heath, Astrid Stuth Cevallos (2018), China and the International Order, RAND Corporation
- Rise of the Petro-Yuan, How the Chinese currency is replacing the U.S. Dollar in global oil markets, <http://www.financialsense.com/print/contributors/dan-collins/rise-petro-yuan>
- Salameh, Mamdouh (2018), The Petro-yuan: A Momentous Game Changer for the Global Energy Markets, the Global Economy & Sanctions, International Association for Energy Economics

- Strange, Susan(1971) The Politics of International Currencies, World Politics, Vol. 23, No. 2.